

بارزترین میراث؟

در شماره گذشته درباره فضیلت قرآن کریم سخن گفته و نمونه‌ای از گفتار مفسرین خاصه و عامه و اعترافات بیگانگان را نقل نمودیم و اینک برای این که بهتر بموقعیت و ارزش این سرمایه بزرگ خدائی توجه حاصل شود آن مطلب را دنبال نموده و در مقدمه، از خوانندگان محترم می‌خواهیم که در این چند آیه از قرآن کریم و چند جمله از بیانات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیک اندیشیده و دقیق شوند، آنها را چند بار بخوانند و در ترجمه و مضمون آنها تأمل بیشتری نموده و تدبیر کنند.

پدید آورنده و نازل کننده قرآن چه می‌گوید؟

قرآن زیاد تلاوت میشود، و کم و بیش ختم آن بعمل می‌آید، ولی تدبیر در آیات و تفکر در حقایق آن کمتر دست میدهد. پیغمبر اکرم (ص) پس از نزول آیات او آخر سوره آل عمران (۱) فرمود: **و یل لمن لاکمها بین فکمه و لم یتأمل ما فیمها**؛ یعنی وای بر کسی که این آیات را میان دو فک خود بگرداند (ویر زبان جاری سازد) و تأمل در مضمون آنها ننماید. (۲)

این ویل و وای اختصاص با آن آیات ندارد و تمام قرآن برای خواندن با تدبیر و درک معانی آن نازل گردیده است. لذا ما از خوانندگان ارجمند خواستاریم که برخلاف قرائت‌های معمولی این چند آیه را که در مقام معرفی قرآن کریم میباشد با تأمل و تدبیر بیشتری خوانند؛ و چنین پندارند که آنها را از گوینده و نازل کننده آنها خداوند حکیم میشوند:

(۱) آیه‌های ۱۸۷ تا ۱۹۲،

(۲) تفسیر صافی

سه آیه با ترجمه :

۱ - قد جائکم من الله نور و کتاب مبین یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور باذنہ و یهدیهم الی صراط مستقیم . (سوره مائده - آیه ۱۸)

ترجمه : بحقیقت آمد شمارا از جانب خداوند؛ نور و کتاب روشن کننده ای که (حق و باطل و چاه و راه و خوب و بد و سود و زیان را در زندگی شما روشن میکند) خداوند بسبب آن هر کس را که از خوشنودی او (که در همین مقررات قرآن کریم است) پیروی کند؛ براههای سلامتی (دو جهانی ؛ سلامتی جسم و جان) راهنمایی نموده ، و آنانرا باراده خود از تاریکیها بروشنی درآورده ، و براه راست هدایت مینماید .

۲ - کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور ، باذن ربهم الی صراط العزیز الحمید . (سوره ابراهیم - آیه ۱)

ترجمه : کتابی است که آنرا فرو فرستادیم بسوی تو ، برای اینکه مردمانرا از تاریکیها بروشنی در آورده ، باراده و توفیق پروردگارشان براه خداوند عزیز و حمید (ورسیدن بمقام عزت و پروری و محمدمت و ستودگی) هدایت نمائی .

۳ - ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم ، و یبشر المؤمنین الذین یعملون الصالحات بان لهم اجرأ کبیراً . (سوره اسراء - آیه ۹)

ترجمه : بدرستی که این قرآن راهنمایی میکند (پروان خود و جامعه بشر را) بطریقه و برنامه ای که پایدارتر و استوارترین طریقها و برنامه ها است و مؤثره میدهد آن مردم با ایمان را که عمل شایسته (و خداپسند) انجام میدهند ، باینکه برای ایشان مزد بزرگی است .

* * *

از اینگونه آیات و چنین وعده ها در قرآن کریم بسیار است که ما برای نمونه

با این سه آیه اکتفا مینمائیم .

آیا شما خواننده باایمانی که قرآن را کلام خدامیدانی و گفته‌های او را بحق و وعده‌های او را تخلف ناپذیر میشناسی ، پس از تأمل در مضمون این آیات چه میفهمی؟

آیا در این اعلامیه‌های قرآنی سعادت همیشگی و رستگاری دو جهانی جامعه بشری ضمانت نشده است؟

آیا خدای قرآن ، بیرون آمدن از همه تاریکیها ؛ تاریکیهای نادانی و شهوت رانی و بیدادگری را ، گرو بکار بستن دستورات قرآن قرار نداده است؟

آیا نازل کننده این کتاب کریم ، آنرا چراغ ، او را راهنمای همه سلامتیها و خوشیها ، و نجات بخش از همه گرفتاریها و بدبختیها ، و درمان همه دردها و رنجهای فردی و اجتماعی ، جسمی و روحی انسانها معرفی نموده است؟

تأملی هم در سخنان آورنده قرآن!

پیغمبر اسلام ، آن مرد بزرگی که قرآن بر سینه پاک او نازل گردیده ، و حقیقت این کتاب بر او مکشوف بوده ، و ارزش این گوهر گرانبهارانیکو میشناسد نیز در باره این دست آویز محکم الهی سخنانی دارد که سه فراز آن ذیلا نقل میشود:

۱- میفرماید : **فَاذِ التَّبَسُّطِ عَلَيْكُمْ الْقِتْمَنُ ، كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَاِنَّهُ شَافِعٌ مُّشْفِعٌ ، وَ مَا حُلُّ مَصْدِقٍ ، وَ مَنْ جَعَلَهُ اِمَامًا هَادِيًا اِلَى الْجَنَّةِ ؛ وَ مَنْ جَعَلَهُ اَخْلَفَهُ سَاقَهُ اِلَى النَّارِ ، وَ هُوَ الدَّلِيلُ بِدَلِّ اَعْلَى خَيْرِ سَبِيلٍ ؛ وَ هُوَ كِتَابٌ فِيهِ تَفْصِيْلٌ ...** (قسمتی از حدیث نبوی مفصلی است در کتاب کافی و...)

ترجمه : ... پس هر گاه فتنهها (و حوادث و انقلابات) مانند پاره‌های شب تاریک شمارا احاطه نمود (که حق و باطل و چاه و راه و دوست و دشمن و نفع و ضرر خود را نمیشناختید) ؛ پس بر شما باد بقرآن که او شافی است که شفاعتش مورد قبول بوده ، و دشمنی است (برای نافرمانان و سر باز زنان از فرامین خود) ، که شکایت او مورد تصدیق (محکمه عدل و وجدان و خداوند) خواهد بود ، هر کس او را پیش روی خود قرار دهد او را بی‌هشت رهبری نماید ، و هر کس او را پشت سر اندازد بسوی جهنمش میکشاند . راهنمایی است که بهترین راه دلالت نماید ، و کتابی است که نیک و بد

و حق و باطل را از هم جدا کند ...

۲- کلامی از آن بزرگوار نقل شده که حاصل ترجمه اش اینست:

بدرستی که این قرآن همان نور تابانی است که هر کس از آن روشنی بخواهد خداوند او را روشنی بخشد، ورشته محکمی است که هر کس کارهای خود را بوسیله آن استوار دارد خداوند او را نگهدارد، و دست آویز نیرومندی است که هر که بآن چنگ زند خداوند او را راهائی دهد، و پایگاه رفیعی است که هر که دستورات آن را بکار بندد خداوند او را بالایا میبرد، و داروی شفابخشی است که هر کس از آن شفا جوید خداوند او را شفا دهد، و مایه فضیلت بزرگی است که هر کس آن را بر غیر آن مقدم دارد خداوند او را راهنمائی کند، و پایه سعادت بلندی است که هر که از غیر آن هدایت جوید خداوند او را گمراه نماید، و هر که آن را ملازم و مونس آشکار و نهان خود قرار دهد خداوند او را مساعدت مند فرماید، و هر کس آن را پیشوا و مورد اقتدای خود واقع سازد و امور خود را بآن واگذارد خداوند او را بکشاند بی هشتهای پر نعمت و زندگی آسوده و سلامت.

۳- در ضمن خطبه ای فرماید :

انی تارك فيكم الثقلين : كتاب الله و عترتی اهلبیتی ؛ ما ان

تمسکتهم بهما لن تضلوا بعدي ابدأ ... (در کتب صحاح عامه و خاصه نقل شده)

ترجمه: بدرستی که من و امیگذارم در میان شما دو چیز نفیس و گران بها: کتاب خدا و عترت و خانواده خودم را که اگر بآن دو چنگ زده و دست آویز شوید هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد.

* * *

سخنان بسیار دیگری از پینمبر اکرم و امیر المؤمنین علی و سایر پیشوایان دین علیهم الصلوة والسلام؛ درباره عظمت و موقعیت قرآن کریم رسیده است که در کتب حدیث نقل شده، و ما برای فرار از طول سخن، از نقل آنها صرف نظر نموده به همین اندازه اکتفا میکنیم.

آیا شما خواننده ارجمند، پس از تأمل و دقت در این کلمات و مانند آنها چه درک میکنی؟

آیا ماهانگی کامل میان آنها و آیات قرآن کریم را مشاهده میکنی ؟
 آیا ملاحظه میکنی که پیغمبر رحمت و هیرامت هم ، رستگاری از همه
 گمراهیها و گرفتاریهای جسمی و روحی ، فراهم آمدن سیادت و آقائی ؛ سعادت
 دو جهانی جامعه بشر را ؛ گرو چنگ زدن و دست آویز شدن بقرآن کریم ؛ و بکار
 بستن و برنامه زندگی قراردادن آن نور الهی قرارداد است و باز دست دادن و رها
 کردن آن و اکتفا کردن با سم و قرائت آن هیچگونه ضمانتی برای امت خود در دنیا
 و آخرت ننموده است ؟ .

ما از میان همه آن گفتارهای متین و نورانی توجه خوانندگان گرامی را
 بحدیث ثقلین که مورد نظر بزرگان از محدثین و مفسرین عامه و خاصه میباشد
 جلب مینمائیم .

حدیث ثقلین:

پیغمبر بزرگوار اسلام در این حدیث شریف و گفتار متین خود همه نگرانیهای
 خیالی ، بد بختیهای احتمالی را که این امت با فقدان و از دست دادن رهبر و
 سرپرست خود ؛ پیش بینی نموده و از آنها رنج میبرده است مرتفع ساخته ؛ و چون پدر
 توانگر و خردمندی که ثروت هنگفتی برای فرزندان خود فراهم آورده و
 همه گونه موجبات آسایش و خوشبختی را برای آنان آماده کرده و اینک مهیای
 سفری طولانی باشد ، امت خود را که بمنزله فرزندان او میباشد مخاطب ساخته و
 با آنان میگوید : انی تارك فيكم الثقلین : کتاب الله و عمرتی .

یعنی : (اگر من شمارا از ذلت بعزت و از اسارت بسیادت رساندم ، از هر
 بدی و بختی رهائی بخشیده ، و فقر اخلاقی و مالی را از شما دور ساختم ، بزرگترین
 امتهای و نیرومندترین دولتها را برای شما تشکیل دادم ، و اینک باید باقتضای
 سنت حتمیه خدائی چشم از این جهان ببوشم ؛ شما نگران نباشید زیرا) من در
 میان شما دوسرمایه گرانبها و با ارزش : کتاب خدا و خاندان خودم را
 باقی گذاشتم که با پیروی از آن دو ، هیچگاه گمراه نمیشوید (و از این راه سعادت
 و سیادت و مجد و عظمت ، که من با بکار بستن این برنامه نورانی الهی جلو پای بشر

باز کردم هرگز بیرون نمیروید) .

* * *

باتدبردر این آیات قرآنی و بیانات پیغمبر اکرم (ص) میتوان گفت :
امت اسلامی ، با داشتن کتاب و برنامه‌ای مانند قرآن کریم ، و رجال علم و
فضیلت چون خاندان پیغمبر اکرم (ص) غنی ترین امتهای و ثروتمندترین
جمعیت های بشری برای اداره امور زندگی و پیشرفت و تکامل در راه
انسانیت می باشند ؛ و شایسته است که نیرومندترین دولت‌ها و زنده ترین ملتها
را تشکیل دهند .

دولت قرآنی

اما جهت دولت ، برای اینکه اگر رهبران و زمامداران کشورهای اسلامی
پایه کار خود را قرآن کریم قرار دهند ، عادلانه ترین برنامه های زندگی ، و
اساسی ترین نقشه های اصلاحی را در اختیار دارند ، و از نظر سیاست داخلی و
خارجی ، و قوانین اجتماعی و اقتصادی ، حقوقی و جزائی ، حکیمانانه ترین آئین-
نامه‌ها را دارا میباشند . **ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم .**

ملت با ایمان

اما جهت ملت ، برای اینکه نیرومندترین ضامن اجراء قوانین و بکار-
بستن مقررات را دارا میباشند که آن **ایمان بخدا و روز جزا** است که در همه جا
و همه احوال آنرا پیروی از دستورات و مراعات آداب و سنن و ادار مینماید . و
از هر پلیس و بازرسی دقیق تر و آگاه تر بر آنان نظارت نموده و امنیت و عدالت
اجتماعی را نگهداری میکنند .

غنی فقیر !

اینجا است که ما با مشاهده وضع کنونی مسلمانها بخود حق میدهیم که چنین
امت و جمعیتی را که با داشتن اینگونه سرمایه های علمی و حیاتی ، در عصر حاضر
پست ترین وضع زندگی دوچار شده ، و از عقب مانده ترین ملل و اقوام بشری
شمار می آیند ، **غنی فقیر** بنامیم . غنی است از نظر اینکه با ارزشترین سرمایه ها
را دارا می باشد . فقیر است برای اینکه از آن سرمایه ها بهره نگرفته ؛ و دست احتیاج و
گدائی بسوی این و آن دراز نموده است .

در پایان ، با ذکر مثلی وضع امروز مسلمین را مجسم ساخته و دنیا له مطلب را

بشماره آینده وا میگذاریم .

پدر دانای حکیم !

مردی دانا و آزموده که بجهاز کردانی و خرد مندی مجهز بوده است ، عمری را در تأمین آسایش و آبرو مندی فرزندان خود رنج برده و کوشش نموده و برای آنان سرمایه های فراوانی اندوخته است .

زمینهای مستعد و وسیعی بدست آورده ؛ و قریه ها و مزرعه ها و دشته ها و باغستانها احداث نموده است .

قناتها و چاهها حفر نموده و نهرها و جویبارها جاری ساخته است .

دستگاههای مجهز تولیدی و کارخانه های معظم صنعتی تأسیس نموده و بکار انداخته ؛ و سرمایه های نقدی هنگفتی در بانکها سپرده و ذخیره نموده است .

فرزندان رشید و سالمی تربیت نموده و از خود بیادگار گذاشته است .

نام نیک و آوازه مجد و عظمت خود را در جهان منتشر ساخته ، دشمنان

و مخالفین را سرکوب نموده و در عبوترس دردل و جان آنان پدید آورده است .

اینک که آفتاب عمر این پدر بزرگوار نزدیک بغروب رسیده و آماده

رخت بر بستن از این جهان میباشد ، فرزندان خود را مخاطب ساخته و آنانرا

سفارش بیگانگی و برادری نموده ، و از دشمنی و پراکندگی بر حذر داشته ، و

سرمایه های خود را با آنان میسپارد . *فانی در مقامات فرنگی*

با آنان میگوید : من رنجها برده و زحمتها کشیدم و سرمایه های بزرگ

مادی و معنوی برای شما اندوخته ؛ و اکنون آنها را بشما سپرده و از میان شما میروم

ولی بدانید که اگر بطور شایسته و صحیح ، از آنها بهره برداری کنید ، آسایش

و راحت و عزت و سعادت شما و فرزندان شما را برای همیشه تأمین می نماید ،

فرزندان ناخلف !

آن پدر با دلی پراز امید رخت از این جهان بر بسته و چشم براه آینده نیک

و خوش فرزندان خود میباید ، ولی آن فرزندان ناخلف همینکه جای پدر را خالی

و چشم او را بدور دیدند از همان روزهای اول ، سفارشات پدر مهربان را زیر پا گذاشته

و شروع باختلاف و نزاع نمودند .

میراث پدر را دست آویز قراردادده و پسر آن کشمکشها بر پا کردند .

جای بهره برداری از آن سرمایه‌های با ارزش؛ آنها را واگذار نموده و بیهوده از دست دادند .
 آنهمه زمینهای مستعد و آماده را معطل گذاشته و باغستانها را آبیاری ننموده و آنها را هدر دادند .

اگر احياناً هوس کردند که از آن آب‌وزمین استفاده کنند منحصر باین بود که آن زمینها را بقطعات کوچک و بزرگ تقسیم بندی و با گلها و سبزه‌ها زینت نموده و منظره های زیبا و جالبی فراهم آورند ، ولی استفاده‌های عقلانی و بهره‌مائی زندگی از آن نبردند . سرگرم بهوسرانی و خوشگذرانی شده و از کار و کوشش غفلت نمودند .

قناتها و چاهها خراب شده ، و نهرها و جویبارها از آب خالی ماندند . دستگاهها و کارخانه‌ها از کار افتاده و چرخهای آنها زنگ زده ؛ و سرمایه‌های نقدی را بتدریج باخته و از دست دادند .

دراثر اختلاف و پراکندگی و برباد دادن سرمایه های مادی و معنوی دو چارضعف و ناتوانی شده ؛ دشمنها بر آنان مسلط گردیده و آنان را احاطه نمودند . اینک همان خاندان برومند و بزرگوار که روزی مورد غبطه دیگران بوده و از آنان حساب می بردند ، راتر سستی و تنبلی و شهوت رانی و نا بخردی به بدترین وضع فقر و پریشانی دچار شده ؛ و مایه عبرت و تأسف دیگران می باشند .

جامعه اسلامی !

آری ، پیغمبر بزرگوار اسلام ، همان پدر مهربان و ارجمندی بود که در راه تامین آسایش دوجہانی ، و مجد و شرف همیشگی جامعه بشری رنجها برده و کوششها نموده و در نتیجه امت عظیمه اسلامی را پدید آورد . نیرومندترین دولتها را تشکیل داده زنده ترین ملتها را بوجود آورد ، کاملترین برنامۀ انسانیت و با ارزشترین سرمایه سعادت قرآنی را که در راه آن قربانها داده و فداکاریها نموده برای آنان بیادگار گذاشت .

همینکه خواست از میان آنان برود و رخت از این جهان بر بندد ، مکر را این سرمایه بزرگ آسمانی را یاد آور شده ، و جامعه اسلامی را امر بچنگ زدن و دست

آویزشدن باین رشته محکم الهی نمود .

در حدیث ثقلین و غیر آن ، هدایت همیشگی و سعادت دوجہانی آنانرا ، در سایه زنده نگهداشتن تعلیمات قرآن و بکار بستن دستورات آن ضمانت نمود . امامت اسفانه بیشتر افراد این امت ، همانند همان فرزندان ناخلف بودند که قدر و ارزش این سرمایه‌های گرانبها را ندانسته و سرگرم بشهوات و هواهای نفسانیہ و منافع شخصیہ شده و بتدریج آنها را از دست دادند .

از مردان فضیلت و رجال علم و تقوی پیروی ننموده و با آنان مخالفت کرده و از هر گونه ستم و آسیب حتی کشتن آنها دریغ ننمودند .

قرآن کریم ، آن بزرگترین سرمایہ مجد و شرف ؛ و برنامه سیادت و سعادت را پشت سر انداخته ، احکام و دستورات آنرا زیر پا گذاشتند .

از علوم و معارف و راهنماییها و حقایق آن بهره نکرده ، و آداب و مقررات و امر و نہی آنرا بکار نبستند .

نهایت اظهار علاقه‌ای که بآن نمودند ، این بود که سرگرم بالفاظ و عبارات آن شده و از فصاحت و بلاغت آن سخن رانده و بآداب قرائت آن پرداختند . تعظیم و بزرگداشت آن را منحصر کردند باینکه آنرا در نفیستریں کاغذها بانیکو-ترین خطها نوشته ، و بہترین تزیین و تذهیب را از آن نموده و در پاکیزہ ترین جلدھا و غلافھا نگهداری نمایند و احیاناً راست و دروغ بآن سوگند یاد کنند .

آنرا در قطع‌های بزرگ و کوچک ، بازوبندی و بنلی ؛ و زیری و رحلی و اقسام و انواع صورتها و پیکرہا ؛ استنساخ نموده و چاپ کردند ، بیازوی اطفال و جوانان بسته ، و جہیزہ دختران و تعویذ پهلوانان قراردادند ولی غالباً از معانی و حقایق و تدبیر و تفکر در آن غفلت نمودند .

نتیجہٗ این غفلتھا و بی‌خبریھا این شد کہ آن امتی کہ میبایست از جهت دولت و ملت مشعل دار تمدن و علم و تکامل جهان بشریت باشند ؛ امروز در شمار عقب مانده ترین ملتھا در آمدہ و دستہای استعمار گلوئی آنها را می فشارد .

تا ببینی آیا قبل از نا بودی و مرگ حتمی از خواب بیدار بشود یا نہ ؟ در شمارهٗ آیندہ